

دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ صص: ۲۵۶-۲۳۵

بازنمایی پیوستارگونه مفهوم «بیداری اسلامی» در اندیشه سیاستگذارانه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

سعید چهرآزاد^۱

چکیده

نگاره حاضر بر آن است تا به این مهم پاسخ دهد که مبانی نظری بیداری اسلامی از منظر رهبران انقلاب اسلامی با چه پیوستاری بازنمایی شده است و ابتکار و افق جدیدی که در زمینه بسط یافته است، کدام است؟ در این پژوهش کوشیده می‌شود که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اطلاعات مبتنی بر کتابخانه‌ای، ضمن تبیین «بیداری اسلامی»، این مفهوم را در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی مورد مذاقه و کنکاش قرار دهد. انقلاب اسلامی نقطه عطف جریان بیداری اسلامی بود، که این جریان را در جهان و جهان اسلام وارد مرحله نوینی نمود. در این تکامل حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با رهبری نظام مبتنی بر شریعت و الگوواره مترقی ولایت فقیه، در استمرار و تداوم بخشیدن به این جریان نقش ویژه‌ای در جهان داشته‌اند. انقلاب اسلامی از موقعیت والایی در جریان بیداری اسلامی برخوردار می‌باشد. به این دلیل که رسالت انقلاب اسلامی احیای هویت اسلامی بوده است، از این رو بیداری اسلامی در دولت-ملت‌های مختلف و رستاخیر روح معنویت در اقصاء نقاط جهان را موهون انقلاب اسلامی و رهبران آن می‌دانند.

واژه‌گان کلیدی: بیداری اسلامی، اندیشه سیاسی، انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی).

^۱ دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
chehrazad.saeed@gmail.com 000-0002-0983-9190



مقدمه

بیداری اسلامی، بزرگترین و بسیط‌ترین پدیده‌ی سیاسی و اجتماعی هزاره‌ حاضر می‌باشد که با درهم‌گسیختگی بلوک سوسیالیستی و کمونیستی شرق، اهمیت این موضوع مضاعف گشته است و آن را رقیب بلوک غرب در منطقه و بلکه در جهان تبدیل کرده است. حرکت بیداری اسلامی که امروزه بسیاری از دولت‌ها و جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی سطح جهان را متأثر ساخته، ریشه در دو قرن گذشته داشته و طی این مدت، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. این خیزش اسلامی را میتوان حاصل نگرش متفکرانی از مذاهب مختلف اسلامی قلمداد کرد که به رغم اهداف مشترک، عقاید و روشهای متفاوت و حتی متباینی را در پیش گرفته‌اند. شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تحت تأثیر اندیشه‌ی سیاسی شیعی را میتوان نقطه‌ی اوج این بیداری دانست که نقش امام خمینی^(ره)، با احیای نظریه‌ی «ولایت فقیه» و سیاست استکبار ستیزی، در این زمینه برجسته است؛ و پس از ایشان حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان زعیم انقلاب، خود صاحب مبانی نظری و دیدگاه‌های نوینی، مانند جنبش نرم افزاری و تولید علم بوده که در تعمیق و تسریع این جریان در جهان اسلام نقش مؤثری را ایفا مینمایند. حال با توجه به نیاز حیاتی جهان اسلام به این جریان، برای بازیابی مجد و عظمت اسلامی و سرمایه گذاری غرب برای شکست و انحراف آن، شناخت مبانی اصیل بیداری اسلامی و پیدا کردن یک خط سیر دقیق و چشم انداز مناسب ضروری میباشد. این پژوهش بر آن است تا با در نظر گرفتن مبانی نظری بیداری اسلامی از منظر امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری، تا حدودی این نیاز را مرتفع سازد. (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۲)

ماهیت بیداری اسلامی

منظور از بیداری اسلامی مجموعه‌ای از باورهای دینی است که در دوره کنونی در میان مسلمانان عالم شیوع پیدا کرده است. برخی بیداری اسلامی را از مصادیق باورها و گرایش معنوی در جهان اسلام می‌دانند. حرکتی که هدف آن بازگشت به اسلام ناب و هویت فراموش شده دینی و رهایی از دست استکبار جهانی باشد. ۱. علیرغم تأکید این دسته بر بعد معنوی، اما به نظر می‌رسد

وجود یک تقابل و منازعه بین دو جریان اندیشه اسلامی و غرب ملموس و جدی است که بر این پدیده سایه می‌افکند. این روند تقابلی با تهاجم همه جانبه غرب به جهان اسلام و احیای اسلامی در برابر آن و رد آموزه‌های مدرنیسم غربی و تلاش احیاگران مسلمان برای احیای تمدن اسلامی و بازگردان اسلام به عرصه زندگی سیاسی آغاز شد و مفهوم اسلام سیاسی وارد ادبیات سیاسی گردید. بیداری اسلامی با توجه به نقش تقابلی آن در برابر نظام بین‌الملل، منبع خطر و تهدید نوین جهان غرب ارزیابی می‌شود. بنابراین تحلیل این پدیده نیازمند شناخت اندیشه و ذهنیت حاکم بر آن است که بدون مطالعه پیشینه و سبقه آن امکان پذیر نیست. (وبسایت پرسمان، ۱۳۹۲)

جهان اسلام از ابتدا تا کنون صعود و نزولهایی را پشت سر گذاشته که محققان برای آن علل و عواملی را ذکر کرده اند. در چند قرن اخیر نیز با هجوم استعمار و استبداد داخلی، بار دیگر یک نزول تجربه شد، که پس از چندی مصلحان و متفکران در پی چاره جویی برآمده تا بار دیگر عزت و عظمت را به اسلام و مسلمین برگردانند. مصلحانی که آشنایی با تعالیم اسلام داشته و گذشته‌ی پر افتخار مسلمانان را باور داشتند، تنها راه نجات را در احیای هویت اسلامی» و «بازگشت به اسلام» دیده و جریان بیدارگرانه‌ی را به راه انداختند. از آنجایی که تفسیر و نوع برداشت از اسلام در میان اهل سنت و شیعیان برخی تفاوت‌هایی داشته، این جنبش نیز سیر متفاوتی را در میان هر دو مذهب طی کرده، لذا در این تحقیق نیز جداگانه بررسی گردید. این جریان در کشورهای اهل سنت بیشتر یک حرکت سیاسی بوده که فراز و نشیب‌هایی را در برداشته و البته متفکران بزرگی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عبده، اقبال و حسن البنا پرچمدار راستین آن بوده که با بررسی علل انحطاط و ارائه‌ی راه‌حلهایی به قوام جنبش افزودند. هرچند طی چند دهه‌ی گذشته گروه‌های افراطی مانند وهابیت و طالبان تلاش کرده اند بر موج سوار شوند و با تفرقه و اختلاف اندازی، سعی در انحراف جریان دارند. بیداری اسلامی در ایران، به عنوان مهد تشیع، از جنگ‌های ایران و روس شروع شده، که ایرانیان از ضعف داخلی و پیشرفت غرب اطلاع پیدا کرده و سعی در احیای هویت اسلامی و ملی نمودند، که با همیاری مردم و علما این روند ادامه یافت و سیر تکاملی را در ماجرای قتل گریبایدوف، قیام تنباکو، مشروطه، نهضت نفت، قیام ۱۵ خرداد و

انقلاب اسلامی طی کرد. با پیروزی انقلاب که نقطه‌ی عطف این مسیر بود، مرحله‌ی جدید تأسیس نظام سیاسی و تلاش برای اجرای احکام فردی و اجتماعی اسلام آغاز شد که بیدارگری رهبر و معمار انقلاب، امام خمینی (ره) در تکوین و تداوم این ثمره‌ی درخشان، محوری و اساسی است. پس از ایشان با رهبری آیت الله خامنه‌ای، جریان بیداری اسلامی عمیق‌تر گشته و ایشان با حفظ دستاوردها و ارائه و پیگیری طرح‌هایی مانند نهضت نرم‌افزاری و تولید علم، گام به سوی احیای تمدن اسلامی برداشته تا زمینه‌ای برای حکومت عدل جهانی و ظهور برترین بیدارگر بشریت، حضرت ولی عصر (عج) گردد. (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۶)

به عقیده صاحب‌نظران، ریشه‌های حرکت بیداری اسلامی به حدود دو قرن پیش بازمی‌گردد و در این دو قرن، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است؛ در ابتدا این حرکت محدود به مناطق خاص جغرافیایی بوده، که در طول چند دهه گذشته، دامنه آن به سراسر دنیای اسلام کشیده شده و از شرق آسیا تا جنوب و غرب آفریقا، حتی اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر مسلمان نیز گسترش یافته است. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶)

در حقیقت از همان زمانی که سرزمین‌های اسلامی و شرقی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی مغرب زمین قرار گرفت و تبلیغ و ترویج و نهادینه کردن اینگونه باورها - که مصداق بارز استعمار بود - آغاز شد، بزرگانی برخاستند و بانگ بیداری مشرق زمین و مسلمانان را سردادند و در برابر برتری طلبی‌های فرهنگی و تمدنی فرنگیان بر طبل بیداری اسلامی زدند. از دیدگاه بسیاری از محققین شیعه و سنی، بیداری و بازگشت مجدد به مبانی شریعت، در حقیقت انعکاسی از پایداری و ایستادگی «اسلام» در برابر جهانشمولی و سلطه‌طلبی ایدئولوژی تمدن نوین است. هدف اساسی و بنیادین این ایستادگی را باید طرد سلطه‌طلبی این جهان بینی و اثبات توانایی شریعت اسلامی برای حل چالش‌های حیات اجتماعی مسلمانان توصیف نمود. در مجموع بیداری اسلامی، هم پدیده‌ای اثباتی و هم واکنشی است. وقتی غرب هجوم خود را به جهان آغاز کرد، این هجوم به

نحوی بود که به هویت جهان اسلام ضربه می‌زد، در مقابل مسلمانان به این اندیشه افتادند که از شخصیت، هویت و استقلال فکری خود دفاع کنند. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶)

روندها و فرآیندهای بیداری اسلامی در ایران

در ادبیات سیاسی معاصر در ایران در پرتو وفاداری به مبانی دین اسلام، عامل اصلی بیداری مسلمانان، مواجهه آنان به عمق عقب ماندگی خود در برخی شئون در برابر غرب است. اگرچه موج بیداری اسلامی، امروز سراسر جهان را فراگرفته است اما خواستگاه اصلی آن را سرزمین های اسلامی از جمله ایران تشکیل می دهد. از باب نمونه شکست ایران در برابر روسیه، از دست رفتن بخشی از آذربایجان و متصرفات ایران در قفقاز و امضای دو معاهده گلستان و ترکمنچای و حمله ناپلئون به مصر و شام و تسلط استعمار انگلستان بر شبه قاره هند در برابر انگلستان از مهم ترین حوادثی است که موجب بیداری مسلمانان شد. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۶۳۸)

به عقیده صاحب نظران، پیشینه بیداری اسلامی در ایران به جنگ های ایران و روس می رسد؛ زیرا در عصر صفویه تهاجم استعمار به معنایی که هویت ملی زیر سوال برود، نبوده و از طرفی جنگ های ایران و روس از مهمترین تحولاتی بود که سبب شد دولتمردان، نخبگان، علماء و مردم به عمق عقب ماندگی کشور از پیشرفت های جهانی پی ببرند و از طرفی علماء، نقش کلیدی در تحولات اجتماعی و بیدارسازی مردم ایفا نمایند.

نسبت بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی

دلیل یا دلایل تاثیر گذاری انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی را می توان این گونه بر شمرد:

۱. تاثیر حضرت امام خمینی (ره) بر مسلمانان از جنبه دینی و اسلامی کم نظیر است. در واقع از قرن پانزدهم در دنیای غرب و شاید کمی پس از صدر اسلام، شخصیتی را نمی بینیم که به این اندازه نهضت، افکار و عملکرد و راهبردهایش در سطح جهان اعم از جهان غرب (لیبرالیسم)، جهان شرق (کمونیسم) و جهان اسلام تاثیر گذاشته باشد.

۲. حضرت امام خمینی(ره) مفهوم و معنای قدرت را در سطح جهانی و نیز در جهان اسلام تغییر داد، به گونه ای که معنای قدرت پیش از او بر منابع مادی تکیه داشت، ولی پس از انقلاب اسلامی ایران و تاثیر گفتمان حضرت امام(ره) بر جهان، معنا و تعریف قدرت بر منابع ملموس(مادی) به غیر ملموس(معنوی) همچون عقاید، پرورش افکار و اطلاع رسانی تغییر یافت.

۳. در شش هفت قرن گذشته، یک شخصیت دینی و علمی که به پاخیزد و ملتی را رهبری کند و همه، حتی مخالفانش، مشروعیت و مقبولیت او را کاملاً تصدیق کنند، دیده نشده است. در واقع می توان گفت: مشروعیت سیاسی و دینی امام در سطح جهان و در قرون اخیر بی نظیر بود.

۴. با مطالعه زندگی رهبران نهضت های گذشته در می یابیم هیچ یک از آنها نتوانسته اند همچون امام خمینی(ره) ارتباطی صمیمانه و مردمی با مستضعفان و دیگر طبقات اجتماعی در ایران برقرار یازند یا مانند ایشان پیام های قرآنی را به زبان بسیار ساده به توده های مسلمان برسانند. از این رو، این ویژگی را می توان یکی از اسرار بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی به شمار آورد.

۵. زندگی بی تجمل وی، صلاحیت رهبری مستضعفان و توده های مسلمان را به او ارزانی داشت. در واقع زندگی وی، چه زمانی که یک طلبه ساده بود، چه زمانی که مرجع تقلید انسان های بسیاری قرار گرفت و چه هنگامی که خود را در راس هرم قدرت یافت، در نهایت سادگی بود. افزون بر آن، تقوا و اخلاق اسلامی امام خمینی(ره) نیز تاثیرات فراوانی بر مردم گذاشت، به گونه ای که انسان های بسیاری را به حرکت بر ضد ظلم و ستم واداشت.

۶. امام خمینی(ره) تنها به امت و تمدن اسلامی و نجات آن از گمراهی و عقب ماندگی مادی و معنوی نمی اندیشید، بلکه در فکر نجات همه ملت ها و تمدن ها بود. پیامش به گورباچف و پاپ، گویای دغدغه انسانی و الهی وی در نجات انسان ها و فرهنگ هایی بود که از جاده هدایت انسان و سعادت دنیا و آخرت خارج شده بودند. در نتیجه، این دلسوزی، ارتباط و تاثیر انقلاب اسلامی ایران را با بخش های دیگر جهان برقرار ساخت.

۷. امام خمینی(ره) هم بر جهان شمولی نهضت اسلامی مردم ایران تاکید می ورزید، به گونه ای که آن را مختص مسلمانان جهان نمی دید و هم با رد جهانشمول بودن الگوهای غربی، توانایی الگوهای غربی برای هدایت و نجات انسان ها را نمی پذیرفت، در حالی که در میان بسیاری از متفکران مسلمان، این اصرار و این نوع نظریه پردازی به چشم نمی آید.

۸. امام خمینی(ره) تنها اندیشمندی است که در پنج یا شش قرن گذشته، به عنوان نظریه پرداز انقلاب، خود وارد عرصه عمل شد و با روشنگری های خویش، ملت ایران را بیدار ساخت. در حقیقت، پیوند نظر و عمل، از دلایل مهم موفقیت امام در برپایی انقلاب اسلامی بود.

بهره گیری از دین در ایجاد تحول اجتماعی مطلوب، مهمترین تاثیر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی بر جنبش گران مسلمان و جنبش بیداری اسلامی است، در حالی که پیش از آن، در فضای جهانی آلوده به لیبرالیسم و کمونیسم، کمتر کسی به توانایی دین در پدیدآوری انقلاب ایمان داشت. برپایه تکیه بر دین به مفهوم فوقریال مفاهیم قدرت دگرگون شد و مسلمانان دریافتند قدرت واقعی، تکیه بر قدرت الهی است و به کمک چنین قدرتی می توانند به حقوق پایمال شده خویش دست یابند. امام خمینی(ره) به همه مسلمانان و مستضعفان نشان داد تنها راه دستیابی به مشروعیت و مقبولیت، زندگی ساده و بی آرایش، نجات انسان ها و تمدن ها و ترکیب سازی نظر و عمل با تکیه و تایید بر دین به ویژه دین اسلام است. دینی که برای همه جهان اسلام و غیر آن برنامه و سخن دارد. به دیگر سخن، امام و انقلاب به خوبی نشان دادند تنها راه نجات، اسلام است؛ این، رمز بیدار شدن جهان خسته از گمراهی مسلک ها و مکتب های دیگر است.(شیرودی، ۱۳۸۸: ۹-۱۱)

نهضت های اسلامی و جریان های فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شاعر و شاعرهای انقلابی ایران مانند جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفتند. شعارهای «لاشرقیه و لاغربیه»، «الله اکبر»، «هیئات منا الذله»، «الموت لآمریکا و اسرائیل» و سایر شعارهای با صبغه مذهبی از جمله شعارهای صادراتی انقلاب اسلامی است که جنبش ها و جریان

ها در تحرکات و راهپیمایی های خود همواره به آن تکیه می کنند. بسیاری از حوادث تاریخی، نه در ابعاد جغرافیایی و نقطه تولد خود می ایستند و نه از نظر زمان در ظرف زمانی محدودی متوقف می شوند. برخی از وقایع و حوادث از یک مکان شروع می شوند اما دامنه اثرگذاری و پیامدها و بازتاب های آن ها جهانی است. انقلاب اسلامی یکی از این حوادث است؛ امروز پس از گذشت بیش از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی شاهد حرکت های اعتراض آمیز در خاورمیانه هستیم که نشان می دهد انقلاب اسلامی ایران برای بسیاری از مردم جهان به عنوان منبعی الهام بخش تلقی شده است که موجب تجدید توان نهضت ها و جنبش های مردمی و سالامی در این کشورها شده است. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطف تاریخی و سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ جهان است این انقلاب پایان دوران فرودستی و تحقیر شرق و دنیای اسلام در برابر استعمار و سلطه گری غرب و شروع بیداری، خودباوری و بارگشت به اصل خویشتن اسلامی مسلمانان بود. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، غرب، معیارها و ارزش های خود را جهانشمول و جهانی شده می دانست و هیچ نیروی مخالفی را در برابر خود نمی دید. (صدرالحسینی، بی تا: ۹۹-۱۰۰)

جایگاه «بیداری اسلامی» در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

حجت الاسلام و المسلمین سید سراج الدین موسوی در مقاله ای تحت عنوان "بیداری تفکر اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)"^(۵) به خوبی جایگاه بیداری اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) را مورد واکاوی و کندوکاو قرار می دهد که در زیر به آن می پردازیم:

اگر قرن بیستم را قرن بیداری اندیشه اسلامی نام گذاریم، سخن به گزاف نگفته ایم. تأثیر و نفوذ وسیع و گسترده استعمار غرب و شرق بر سرزمینهای اسلامی، و تهاجم فرهنگی آنها بر این کشورها زمانی آغاز شد که آنها فرهنگ غنی و کامل اسلام را تنها مانع نفوذناپذیر در برابر منافع مادی و سیاسی، و بزرگترین خطر برای خود تصور کردند.

سیاستمداران کشورهای استعماری به خوبی می دانستند که تنها راه رسیدن به منابع مالی و ثروتهای کشورهای اسلامی، دور کردن این خطر بزرگ و این دژ محکم از سر راهشان است. از

طرف دیگر قرآن کریم و نصایح ارزشمند پیغمبر عظیم الشان اسلام و اهل بیت ایشان - صلوات الله علیهم اجمعین - مسلمانان را به جهاد علیه ظلم و ستم، دوری از تبعیض و نژاد پرستی، و ایجاد وحدت و همبستگی دعوت می کنند. به همین دلیل بود که استعمار زمزمه های گمراه کننده ای همچون استقلال ملی، ملی گرایی، فرقه گرایی، مقدس مآبی دینی، کهنه پرستی مذهبی و غیره را طرح ریزی کرد تا با دور کردن مسلمانان از اسلام حقیقی، راه را برای غارت منابع و سرمایه های سرزمینهای اسلامی هموار کند. در این راستا تبلیغات وسیع و گسترده ای انجام داد. این تبلیغات به قدری تأثیرگذار بود که حتی بعضی از اندیشمندان متدین و علمای دینی هم قائل به این امر شدند که مذهب فقط مربوط به امور فردی و اخروی زندگی انسانهاست و از حل مسائل و مشکلات دنیای امروز ناتوان است. چنانچه اگر متفکرین بزرگ اسلامی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، علامه اقبال لاهوری، شهید مدرس، شهید مرتضی مطهری، و در رأس همه آنها امام خمینی(س)، ملت خفته اسلامی را بیدار نمی نمودند، شاید از اسلام و قرآن فقط نامی باقی می ماند. اگرچه شخصیت‌های عظیم یادشده اقداماتی برای احیای دین و اندیشه دینی کردند که انکار آن ممکن نیست، اما بدون هیچ شک و شبهه ای آن شخصیتی که باعث شکوفایی درخت احیای تفکر دینی شد به جز شخص حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(س) کسی دیگر نبود.

امام امت با یک سلیقه متفاوت با پیشینیان، در این وادی قدم گذاشتند. حضرت امام خمینی(س) در حقیقت مظهر بازگشت به خویشتن و گوهر و جوهر قداست دینی و تفکر دینی به شمار می آیند. هدف اصلی امام برای دین، نتیجه یک تشخیص و شناخت پایدار است که به واسطه آن می توان مسائل و مشکلات معاصر و آینده را حل کرد.

از مطالعه شخصیت امام خمینی(س) به آسانی می توان دریافت که ایشان در راه احیای دین، واجد خصوصیات برتر و واضحتری نسبت به اسلاف خود بودند.

دو نکته خیلی مهم و قابل توجه را درباره امام خمینی(س) باید در نظر گرفت، یکی اینکه ایشان ایمان مطلق به خداوند داشتند و تکیه کامل به ذات پروردگار، دیگر اینکه ایشان به مردم

اعتماد کامل داشتند و به نیروی آنها تکیه می کردند. برای هر دو مورد مثالی عرض می کنم: هنگامی که انقلاب پیروز شد، در نقاط مختلف ایران بعضی عناصر توطئه گر، عملیاتهای خرابکارانه خود را شروع کردند. در سیستان و بلوچستان برای تشکیل دولت جدید مشکلاتی پیش آمد، در کردستان گروههای باغی فعال شدند، در گنبد مسائلی به وجود آمد، گروههای جناح چپ در دانشگاههای داخل کشور برانگیخته شدند، زمانی پیش آمد که به اقتضای آن، ایران باید مجبور می شد با کمک یک ابرقدرت بر مشکلات مواجه با آن غلبه کند. سفیر پارلمان روسیه، غروب یکی از روزها از امام خمینی (س) وقت ملاقات خواست و پیغام داد که از رئیس جمهور برژنف حامل پیغام خیلی مهمی است، اما پاسخ امام خمینی (س) این بود که در حال حاضر نمی خواهم کسی را ببینم، ملاقات فردا صبح باشد. اصرار سفیر پارلمان روسیه هیچ فایده ای نداشت و مجبور شد تا صبح منتظر بماند. صبح روز بعد هنگامی که با امام ملاقات کرد، امام این پیغام را به برژنف داد که: حماقت نکن، رؤیای تسلط بر خاک افغانستان را از سرت دور کن، وگرنه تو هم به همان وضعی دچار خواهی شد که امریکا در ویتنام گرفتارش شد، و تو در باتلاق فرو خواهی رفت؛ و عالم اسلام این اقدام تو را هرگز نخواهند بخشید. امام خمینی (س) در چنین اوضاع بحرانی به جای تکیه به ابرقدرتها و درخواست کمک از آنها، با توکل به نیروی لایزال الهی هر دو ابرقدرت را به لرزه در آوردند. از طرف دیگر این را هم دیدیم که امام خمینی (س) تا زمانی که در قم زندگی می کردند هر روز هیأتها و کاروانهایی از گوشه و کنار کشور می آمدند و ایشان را ملاقات می کردند و تا روزهای آخر عمر با برکشان در تهران این کار ادامه داشت و هرگز رابطه خود را با مردم قطع نکردند. در اینجا می خواهم به بعضی از جنبه های احیای تفکر دینی در عرصه سیاست اشاره کنم:

نظریه جهاد علیه محدودیت دین

بدون هیچ شک و شبهه ای، یکی از مهمترین آثار دوران جدید انقلاب اسلامی به رهبری احیاگر بزرگ دین، حضرت امام خمینی (س)، جهاد علیه نظریه محدود شدن دین در زندگی

فردی انسانها، و رسوا کردن نظریات آنها در سراسر دنیا بود. گسترش چنین نظریات گمراه کننده در قرنهای اخیر همواره مورد توجه عوامل استکباری بوده است که هدف اصلی شان توجیه این نظریات باطل است و معتقدان به آن، دین را مذهب بدون تکلیف می دانند. امام خمینی (س) ادیان و وظایف و مسئولیتهای همه جانبه اسلام را به طور کامل و صحیح بیان فرمودند و این توطئه خطرناک دشمنان را نقش بر آب کردند و در سطح جهانی رأی عموم را علیه کارپردازان این توطئه هموار کردند. یکی از اقدامات مهم و گامهای مؤثر علیه نظریات استکباری همچون «دین بی هدف»، ارائه اسلام ناب محمدی (ص) و پرده برداشتن از چهره واقعی اسلام امریکایی بود. با نهضت امام، مسلمانان در مناطق مختلف دنیا از خواب غفلت بیدار شدند و رأی عامه مردم محروم و مستضعف به ثمر نشست و این یک ضربه مهلک علیه استکبار جهانی بود، چرا که تمام تلاش و کوشش بی وقفه استعمار بر این بود که ملتها در خواب غفلت و بیخبری فرو برونند و دین را برای آنها فقط به عنوان افیون برای جامعه، و یا به عنوان یک مسأله «عبادت فردی» معرفی کنند.

فکر تشکیل نظام جهانی یا نفی حاکمیت استعماری

یکی از اصول اساسی افکار امام خمینی (س) در ابلاغ رسالت انقلاب، مبنی بر احیای دین، نفی کامل نظریه تجزیه در سیاست جهانی است. ایشان این حقیقت را اینگونه فرمودند:

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود.

چنین دلیل محکم و به دور از تسلط استکباری، اساس نظریه «ضرورت یک نظام جدید جهانی» می باشد. امام خمینی (س) عقیده داشتند که مسلمانان باید برای جستجوی یک نظام جدید جهانی که اساسش بر پایه تکریم انسانها باشد، کوشش مداوم و پی گیر داشته باشند؛ لهذا ایشان می فرمایند:

ان شاء الله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمان عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

ترغیب دولتهای اسلامی به تشکیل کشورهای متحد اسلامی

قیام امت واحده اسلامی، همچنین کوشش برای ایجاد وحدت در بین دولتهای اسلامی و جنبش جبهه مشترک ممالک اسلامی برای مقابله با نفوذ استکبار، یک محور مهم افکار احیای دین توسط امام خمینی (س) می باشد. این محور در تدابیر عملی و فکری حضرت امام به طرز قاطعی نمایان است. ایشان در این باره می فرمایند:

دولت و ملت ایران به تبعیت از احکام اسلام با تمام کشورهای اسلامی به حکم اخوت منصوص در قرآن مجید می خواست دست برادری دهد تا با وحدت کلمه و اتحاد بین تمام مسلمین از شر قدرتهای بزرگ سلطه گر و توطئه های ابرچاولگران و جنایتکاران کشورهای اسلامی خلاص شوند.

توطئه استکبار برای جدا کردن دین از سیاست

علاوه بر نظریات مهم امام درباره اتحاد و برادری میان مسلمانان، قیام جهت برپایی حکومت اسلامی و جهاد علیه توطئه استکبار برای جدا کردن دین از سیاست می باشد و از همان آغاز نهضتشان با بینش و بصیرت واقعی و با پیروی از سیره حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - این توطئه را نقش بر آب کردند.

همین طور حضرت امام خمینی (س) درباره تحقق وعده خداوند تبارک و تعالی درباره قیام برای برپایی حکومت مستضعفین و محرومان با اطمینان کامل قلبی می فرمایند:

هان ای مسلمانان جهان، و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، به پاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.

وابسته نبودن به قدرتهای جهانی

یک ویژگی دیگر امام خمینی (س) نسبت به دیگر رهبران اسلامی این است که به هیچ یک از ابرقدرتهای آن زمان وابسته نبودند. بدون هیچ مبالغه ای بعد از جنگ جهانی دوم دو قدرت، سرنوشت دنیا را به دست گرفته بودند. ایمان راسخ امام خمینی (س) الهام گرفته از فلسفه درخشان قرآن و اسلام بود. ایشان همیشه به انجام وظایف الهی مشغول بودند. به نظر ایشان معیار پیروزی و شکست در میدان جهاد علیه ظلم و کفر و استبداد، پذیرفتن شکست یا پیروزی نبود، بلکه به عقیده ایشان معیار درستی و صداقت یک رفتار و کردار فردی و اجتماعی فقط و فقط جهاد مستمر برای فتح و پیروزی حق و کسب رضایت و خشنودی خدا می باشد. (موسوی، ۱۳۹۶)

واکاوی اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری با تاکید بر بیداری اسلامی

اصطلاح بیداری اسلامی در ادبیات آیت الله خامنه ای نه فقط از نخستین روزهای رهبری ایشان (۲۶ خرداد ۱۳۶۸) تاکنون همواره کاربرد داشته، بلکه استفاده از آن به زمان ریاست جمهوری ایشان برمی گردد. بیداری اسلامی بخشی از نطق تاریخی سومین رئیس جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد را به خود اختصاص می دهد:

من رئیس جمهور کشوری هستم که در یکی از بلندترین و حساس ترین دوران های تاریخ مهد تمدن و کانون فرهنگ بشریت بوده است؛ و اکنون نیز قلمرو نظامی است که بر همان پیشینه استوار بنا شده. و به پشتوانه فرهنگی بی نظیر آن که اکنون به برکت «بیداری اسلامی» غنای بیشتری یافته. تکیه کرده است... اسلام در این تاریکی دلهره آمیز توانست از لابه لای غبار توهم و تحریفی که پیرامونش در طی چند قرن برانگیخته بودند برق بزند. در ایران این برق به درخششی و سپس به

طوفانی انجامید و در بسیاری از نقاط دیگر جهان هنوز باید چشم به راه حوادث بود. نهضت بیداری مسلمانان در بسیاری از کشورهای اسلامی بر خلاف آنچه تصور و تبلیغ می شود فرزند انقلاب اسلامی ایران نیست، برادر آن است. (بیانات مقام معظم رهبری ۳۱ شهریور ۱۳۶۶)

افول عزت و شوکت مسلمانان در سده های اخیر، دغدغه کانونی و همیشگی احیاگران تفکر اسلامی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی، - شیخ محمد عبده، علامه اقبال لاهوری، شهید سید محمدباقر صدر و امام خمینی (ره) بوده است. سیدقطب نیز که آیت الله خامنه ای کتاب «المستقبل لهذا الدین» وی را به فارسی برگردانده است، از پیشگامان این حرکت در جهان اسلام به شمار می رود. همچنان که در کتاب «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» نوشته عبدالمنعم النمر که توسط آیت الله خامنه ای ترجمه و تشریح شده، توجه به بیداری اسلامی در شبه قاره هند دیده می شود.

همت این طلایه داران، مصروف این شد که مسلمانان با درک موقعیت خود در جهان پیچیده کنونی، در جست و جوی اصالت خویش برآمده و به مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی به عنوان عوامل اصلی عقب ماندگی بپردازند تا سرنوشت عمومی خود را در دست بگیرند و آن را به سوی اصالت های دینی ببرند.

بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای اشاره به همین جنبش های فکری - سیاسی احیاگرانه در دنیای اسلام به کار می رود. البته در مقام اقدام علیه وضعیت موجود، امواج مختلفی از بیداری اسلامی در برهه های گوناگون به پا شده و همان گونه که آیت الله خامنه ای اشاره کرده اند، انقلاب اسلامی خود یکی از معلول های آن در زمانه ما است. اما هنگامی که مردم ایران به رهبری امام در این راه کامیاب شدند و با مقاومتی که در برابر هزینه ها و فشارهای مترتب بر آن از خود نشان دادند، در موقعیت الگوسازی نمادین نسبت به امواج بعدی بیداری اسلامی قرار گرفتند.

به همین دلیل، هنگامی که در زمستان ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۹ شمسی) در تونس و سپس در مصر، جنبش مردمی این کشورها با تکیه بر شعارها و جهت گیری های اسلامی به نقاط اوج خود

رسید و نفسها را در سینه ناظران حبس کرد، ایرانی ها طنین انقلاب اسلامی خود را از تحولات جاری منطقه می شنیدند و بیش از همه از آن خشنود بودند.

۱۵ بهمن ۱۳۸۹ در میانه دهه فجر انقلاب اسلامی ایران، آیت الله خامنه ای در خطبه های نماز جمعه تهران به تحلیل این واقعه پرداخت و توصیه هایی به مبارزان مسلمان در تونس، مصر و دیگر کشورها نمود. خطبه دوم ایشان نیز به طور کامل به زبان عربی بود که شواهد و قرائن بعدی نشان داد همزمان و بعدها با انتشار گسترده، در میدان التحریر قاهره میان انقلابیان شنیده شده است.

این تنها سخنان رهبر انقلاب اسلامی در واکنش به موج نو بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا نبود. خطبه های نماز جمعه تهران به امامت رهبر انقلاب، یک بار دیگر در بهمن ۱۳۹۰ به زبان فارسی و عربی به مسئله بیداری اسلامی اختصاص یافت.

بسامد این واژه در کلام ایشان از سال ۱۳۸۹ به این سو، افزایش چشمگیری داشته است. اما سلسله کنفرانسهایی نیز با عنوان «بیداری اسلامی»، «علمای جهان اسلام و بیداری اسلامی»، «اساتید دانشگاه جهان اسلام»، «جوانان و بیداری اسلامی» و نیز «زنان و بیداری اسلامی» به تناوب در طول حدود سه سال در تهران برگزار شد. در تمام این موارد که هدف گفت و گو و ارتباط بیشتر با اقشار محوری در جریان بیداری اسلامی و تبادل تجربیات بود، آیت الله خامنه ای با شرکت کنندگان دیدار داشته و یا در میان آنان حضور یافتند و به سخنرانی پرداختند.

رهبر انقلاب به این نیز بسنده نکرده و از دو موقعیت دیپلماتیک بین المللی دیگر برای دامن زدن به بحث بیداری اسلامی استفاده کردند: پنجمین کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین در مهر ۱۳۹۰؛ و شانزدهمین اجلاس سران کشورهای عدم تعهد که شهریور ۱۳۹۱ در تهران برپا شد.

تصریحات و اشارات پرشمار رهبر انقلاب در مورد موج نو بیداری اسلامی را می توان در چهارچوب دسته بندی ای که ایشان در سخنان گشایش اجلاس بین المللی بیداری اسلامی ارائه نمودند، مورد مطالعه قرار داد:

یکم: تحلیل ماهیت این قیامها و انقلابها و علل آن. آیت الله خامنه‌ای برخلاف بسیاری از تحلیل‌گران و رسانه‌های غربی - اما همسو با برخی ناظران و محققان دیگر - معتقدند که علت اصلی این جنبش‌ها، «احساس تحقیر ملت‌های مسلمان این کشورها به دلیل خودکامگی و وابستگی نظام‌های سیاسی‌شان و تبعات اجتماعی و اقتصادی آن است. تا جایی که سرسپردگی حاکم مستبدی چون حسنی مبارک به آمریکا یا وابستگی و خوش‌خدمتی‌های دیکتاتوری مانند معمر قذافی به غرب نه تنها نتوانست دستاوردی برای رشد و رفاه ملت‌هایشان داشته باشد، بلکه حتی مانع از فروپاشی حکومت آنها نشد. از دید ایشان، باید این جنبش‌ها را در یک کلمه، «قیام برای کرامت از دست رفته و پایمال شده» این ملت‌ها دانست که در سایه احکام و شعارهای اسلامی پیگیری می‌شود:

این همان ادامه بعثت پیغمبر و حرکت نبوی است که امروز به این شکل دارد خود را نشان می‌دهد. ملت‌های مظلوم دنبال کرامت خودشان هستند؛ همان عزت و کرامتی که یکی از پایه‌های دعوت پیغمبر بود. در طول سالهای متمادی، دشمنان و مستکبران و اشغالگران و مداخله‌گران، ملت‌های ما را استثمار کردند؛ در عین حال آنها را تحقیر کردند، ذلیل کردند. ملت‌ها وقتی که از اسلام بهره‌مند باشند، عزت‌طلبند، کرامت‌طلبند. این همان حرکت اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری ۹ تیر ۱۳۹۰)

از دید آیت الله خامنه‌ای، ویژگی مشترک موج بیداری اسلامی در همه کشورهایی که چنین جنبشی را در این سالها تجربه کرده‌اند، سه چیز است: مردمی بودن؛ اسلامی بودن؛ ضد آمریکا و ضد صهیونیسم بودن. (۱۴ خرداد ۱۳۹۰ البته برای هر یک از این مولفه‌ها نیز شواهد فراوانی وجود دارد؛ برای نمونه تسخیر سفارت اسرائیل در قاهره توسط هزاران مبارز مسلمان مصری که در شهریور ۱۳۹۰ رخ داد، نشانه‌ای از ماهیت ضد استکباری و ضد صهیونیستی این قیام بود.

دوم: خطرات و آسیب‌هایی که بر سر راه این پدیده قرار دارد. مهم‌ترین خطری که موج نو بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، بازسازی وضعیت پیش از قیام مردمی به انحاء گوناگون و خالی کردن این جنبش‌ها از مولفه‌های سه‌گانه‌ای است که ماهیت آنها را شکل می‌دهد.

در این مورد آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند که اگرچه خطرها و تهدیدهایی هست، ولی راه مصونیت از آن نیز وجود دارد؛ پس این مخاطرات، نباید مردم را بترساند. از دید ایشان، این آسیب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: یک بخش که در درون ملت‌های مسلمان ریشه دارد و از ضعف‌های آنها برمی‌خیزد (مانند سست شدن انگیزه‌های اولیه) و بخشی دیگر که دشمن به طور مستقیم آن را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. (مانند اختلاف افکنی در صفوف مبارزان با بهانه‌های قومی و مذهبی). اثر این دو عامل به خصوص در مرحله پس از پیروزی جنبش که نوبت به «نظام‌سازی» می‌رسد، خود را نشان می‌دهد تا آن را از در پیش گرفتن الگوی مردم‌سالاری اسلامی به عنوان متناسب‌ترین نسخه با ماهیت این نهضت‌ها، دور کند.

سوم: پیشنهادهایی در مورد پیشگیری و چاره‌جویی از آسیب‌ها. اگرچه نخستین واکنش غرب به رهبری آمریکا در برابر موج بیداری اسلامی، دست‌پاچگی و سراسیمگی بود اما متأسفانه واقعیت‌های بیرونی نشان می‌دهد که نظام سلطه به رهبری آمریکا توانسته تا اندازه‌های فشار موج اولیه بیداری مردم در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا را مهار کرده و موقتا آن را سرکوب کند؛ هرچند اصل بیداری، از بین رفتنی نیست.

یکی از مهم‌ترین نقشه‌های نظام سلطه جهانی در این رابطه، کوبیدن بر طبل اختلافات فرقه‌ای و تحریک و تسلیح گروه‌های تکفیری در نقاط مختلف جهان اسلام است. در مقابل، ناشیگری و مدیریت بد رهبران و نخبگان در بسیاری از کشورهای درگیر بیداری اسلامی موجب شده است که تیغ این طراحی صهیونیستی برنده تر شود.

جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضد آمریکا، ضد استبداد، ضد دست‌نشانده‌گان آمریکا در منطقه بود؛ حرکتی بود از سوی

عموم مردم در کشورهای مختلف شمال آفریقا که علیه استکبار بود. علیه آمریکا بود. جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضداستکباری و ضد آمریکایی و ضداستبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی. خط مقدم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خط مقدم را تبدیل کرد به خیابان های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه ... نگاه کنید به وضعیت امروز لیبی، به وضعیت سوریه، به وضعیت عراق، به وضعیت پاکستان، ببینید نیروها و شمشیرها در دست مسلمانان علیه چه کسانی دارد به کار می رود؟ اینها باید علیه رژیم صهیونیستی به کار می رفت. جریان تکفیر جهت این مبارزه را تغییر داد و آورد داخل خانه، داخل شهرهای ما، داخل ممالک اسلامی. (بیانات مقام معظم رهبری ۴ آذر ۱۳۹۳)

به همین دلیل، رهبر انقلاب معتقدند آنچه در سوریه رخ داده، ارائه یک «نسخه بدل» از بیداری اسلامی است تا این شریک اصلی محور مقاومت در برابر منافع نظام سلطه در منطقه - با محوریت اسرائیل - را نابود یا زمین گیر کند. در واقع اعتراضات سیاسی در سوریه همان گونه که تا اینجا برای بسیاری آشکار شده، برخلاف دیگر کشورها، هیچگاه ماهیت اسلامی نداشت و هم سو با منافع استکباری آمریکا و اسرائیل بود، نه علیه آنها. براین اساس، سیاست جمهوری اسلامی نیز حمایت از دولت قانونی سوریه، مقاومت در برابر حملات نیروهای تکفیری - تروریستی برای شکست حکومت مرکزی، مخالفت با تصمیم گیری قدرت های جهانی با نمایندگان منطقه ای آنها برای آینده سوریه و البته پشتیبانی از حق همه مردم این کشور با هر مذهبی برای تعیین سرنوشت خود و اعمال اصلاحات سیاسی بوده است.

از سوی دیگر یکی از مهم ترین حربه های دشمن برای تضعیف قدرت بیداری اسلامی، فاصله انداختن میان ملت های مسلمان منطقه و ایران به عنوان خط شکن و نقطه کانونی بیداری جهان اسلام است که به بهانه هایی مانند خطر «احیای امپراتوری شیعی» دنبال می شود. آیت الله خامنه ای در نخستین روزهای موج نو بیداری اسلامی، با پیش بینی این ترفند، ضمن هشدار در مورد

اعتماد به لُبخنده‌های فریبکارانه دشمنان بیداری اسلامی و پیروی از نسخه‌های آنان در مرحله نظام سازی، در خطبه‌های عربی نماز جمعه گفتند:

..اینها تجربیات ما است، من به عنوان برادر مسلمان شما و از سر تعهد دینی، آن را با شما در میان گذاشتم. بوق‌های تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران می‌خواهد دخالت کند، می‌خواهد مصر را شیعه کند، می‌خواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و می‌خواهد و می‌خواهد... این دروغها را سی سال است می‌گویند تا ملت‌های ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار می‌کنند. با این ترفندها، هرگز وظائفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است رها نخواهیم کرد. و الله من وراء القصد. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۵ بهمن ۱۳۸۹)

در مقابله با چنین نقشه‌ای، طبیعتاً ملت‌های مسلمان باید صفوف خود را متحد کرده و با کنار گذاشتن اختلافات بی‌ارزش قومی، طایفه‌ای، مذهبی و... در راستای هدف‌های مهم ترمیم اسلامی متحد شوند. با وجود ضدحمله آمریکا علیه جنبش بیداری اسلامی، رهبرانقلاب باور دارند که این ترفند دنیای استکبار در بلندمدت به نتیجه نخواهد رسید، چون بیداری ملت‌ها نه تنها ریشه کن نمی‌شود، بلکه از شکست‌ها هم تجربه و معرفت بیشتری به دست می‌آورد و این جریان، وارد مراحل بعدی خواهد شد. (غفاری، ۱۳۹۵:۱۰۸) پیش‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای از آینده بیداری اسلامی بر اساس اعتماد به سنت‌های الهی و تکیه بر نیروی ملت‌ها در تعیین سرنوشت‌شان این است که نه تنها در بلندمدت به پیروزی خواهد رسید، بلکه:

این حرکت بیداری تا قلب اروپا خواهد رفت. آن روزی پیش خواهد آمد که همین ملت‌های اروپائی علیه سیاستمداران و زمامداران و قدرتمندانی که آنها را یکسره تسلیم سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی آمریکا و صهیونیسم کردند، قیام خواهند کرد. این بیداری، حتمی است. حرکت ملت ایران، امتداد و عمقش اینهاست. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰)

نتیجه گیری

انقلاب اسلامی از جایگاه برجسته ای در جریان بیداری اسلامی برخوردار است. چون پیام انقلاب اسلامی احیای هویت اسلامی بود، لذا بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان را مرهون انقلاب اسلامی می داند و احیای هویت توسط انقلاب اسلامی را آن کانون اصلی دانسته که تحول عظیمی در شخصیت، روح و وجود مسلمانان در همه عالم به وجود آورد و توانست کشورهای اسلامی را به واکنش در برابر ظلم مستکبران جهانی وا دارد. از آنجایی که هویت دستمایه اصلی یک فرهنگ اصیل است، لذا تاثیر بزرگ انقلاب اسلامی بر جریان بیداری اسلامی ایجاد یک فرهنگ بود که بدین وسیله توانست این جریان را در جهان اسلام ماندگار کند.

مقام معظم رهبری، امام بزرگوار را آغازگر جریان بیداری اسلامی می داند که پرچم احیای اسلام را در جهان برافراشت که برای امت اسلامی امید آفرین و حرکت ساز بود. ایشان قائل به یک تفاوت اساسی میان حضرت امام با دیگر مصلحان هستند؛ به اعتقاد وی، مصلحان ۱۵۰ سال گذشته از قبیل سید جمال، اقبال و دیگران، که پرچم دعوت سلامی را به دوش گرفتند، به رغم همه خدمات، نقص بزرگشان این بود که به جای برپا کردن یک انقلاب اسلامی به یک دعوت اسلامی اکتفا نمودند. لذا حضرت امام با سایر مصلحان قابل مقایسه نیست.

مقام معظم رهبری بیداری اسلامی را یک فرهنگ جدید، یک فکر جدید و یک مسیر جدید برای بشریت می داند که این جریان بر اثر بیداری جهان اسلام پس از چند قرن انحطاط، با تلاش در جهت احیای هویت اسلامی به وجود آمده است.

منابع و مأخذ

اخوان کاظمی، بهرام و الله کرم مشتاقی (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی و علل آن با تاکید بر نظرات مقام معظم رهبری»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، دوره اول، شماره اول.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی و راهبرد شکل گیری امت اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، شماره ۳۳.

برزگر، ابراهیم و علی حسن حیدری (۱۳۹۱)، «بررسی بیداری اسلامی از منظر رهیافت پوزیتیویسم»، **دو فصلنامه بیداری اسلامی**، سال اول، شماره دوم.

بیانات مقام معظم رهبری.

بی نام (۱۳۹۶)، «چیستی بیداری اسلامی» و مراحل تاریخی آن، قابل دسترس از آدرس اینترنتی زیر:
<https://tn.ai/1361776>

بی نام (۱۳۹۲) «امواج بیداری اسلامی»، قابل دسترس از آدرس اینترنتی زیر:

<https://www.porseman.com/article>

تلاشان، حسن و الماس نصر دهبیری (۱۳۹۳)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۴، شماره ۴.

جمالی، جواد و ابراهیم شفیع پور (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۱۰، شماره ۳۳.

حسینی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب های خاورمیانه»، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال دوم، شماره دوم.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تاثیرگذاری و نمونه ها)»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۵، شماره ۱۶.

صالحی، جواد و مهدیه شهابی (۱۳۹۱)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه»، **دو فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی**، سال اول، شماره اول.

صدرآ، علیرضا (۱۳۹۳)، «امواج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۱۱، شماره ۳۹.

عمار، محمد اسماعیل (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم»، **فصلنامه معرفت**، سال ۲۰، شماره ۲۰.

غفاری، مصطفی (۱۳۹۵)، از نیمه خرداد؛ طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت الله خامنه ای، تهران: موسسه انقلاب اسلامی.

مظاهری، ابوذر (۱۳۹۳)، «بیداری اسلامی؛ خیزش تمدنی اسلام، تبیین نظریه مقام معظم رهبری در باب بیداری اسلامی»، **معرفت سیاسی**، سال ششم، شماره اول.
موسوی، سید سراج الدین (۱۳۹۲)، «بیداری تفکر اسلامی از دیدگاه امام خمینی (س)»، قابل دسترس از آدرس اینترنتی زیر:

<http://www.imamkhomeini.ir/fa/n127755>

میرزآزاده، فرامرز (۱۳۹۳)، «اندیشه انتقادی و بیداری اسلامی»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۴، شماره ۴.
نجفی، محمدصادق و غلامحسین بلندیان (۱۳۹۲)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم شماره ۳۳.
ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۴)، «بیداری اسلامی در ایران»، **شرق**، ش ۵۲۵ و ۵۲۶.
یوسفی، بتول (۱۳۹۱) **مبانی نظری بیداری اسلامی در قرن اخیر**، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی